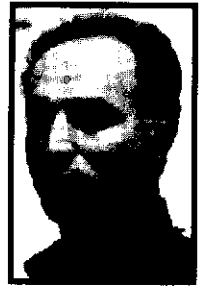


پیشینه هنر شفاهی

کوسان / گوسان
بخش پنجم



جهانگیر نصری اشرفی





دسترسی به رسالت آکادمیسین «آ. جاریان» و «م. آقایان»، مردم‌شناسان ارمنی در زمینه واژه «کوسان»، اطلاعات ما را در این باره کاملتر خواهد کرد. اما اغلب پژوهشگران معتقدند که کوسان‌ها «گوسان‌ها» وظیفه اصلی خنیاگری را در ایران باستان بر عهده داشته‌اند. این پژوهشگران واژه‌های «گوسان» ارمنی و «مگوسانی» — مگسنی» گرجی را نیز برگرفته از کوسان پهلوی دانسته و وظیفه مشترکی را برای کوسان‌های ایران، گوسان‌های ارمنی و مگوسانی‌های گرجی قابل هستند. در این زمینه با توجه به نفوذ فرهنگی پرتوان پارت‌ها در ارمنستان، می‌توان به گونه‌ای منطقی فرض کرد که «گوسان» پارتی بر هنر و نیز نام همتای ایرانی خود اثر گذاشته است. بنابراین به گونه‌ای موجهی می‌توان از متن‌های ارمنی، برای یافتن نشانه‌هایی دال بر این تأثیر استفاده کرد. واژه گوسان در زبان ارمنی از زبان پارتی وام گرفته شده است. اشاره‌های متن‌های ارمنی به واژه گوسان در کتاب موسی خورنی و نیز ترجمه انجیل در قالب کتاب جامعه سلیمان، باب دوم، آیه هشتم و در «دوم سموئیل نبی» باب نوزدهم آیه سی و پنجم ظاهر شده است.

دیوید مارشال لانگ نیز به ارائه سند ارزشمندی می‌پردازد که بر اساس آن مگوسانی گرجی که همان گوسان است، وظیفه خنیاگری را بر عهده دارد. طبق این سند مگوسانی‌ها به همراه بندبازان، وظیفه نوازندگی و بازیگری را در جشن از دواج ملکه تمار با داوود سوسلان به عهده داشتند.

کوسان‌ها میراث‌خوار مجموعه سنت‌ها و هنرهایی شدند که ابتدا به عنوان وظیفه‌ای عمومی تلقی می‌شده و رفته‌رفته در اختیار افرادی خاص قرار گرفت و آن‌گاه که کوسان به عنوان یک طبقه به صورتی اختصاصی وظیفه اجرای این گونه سنت‌های شفاهی را عهده‌دار شدند، یک نوع زایش و باروری با سرعتی افزون‌تر از پیش پدیدار شد. ضرورت شکل‌گیری چنین طبقه‌ای در دوران مورد بحث، کاملاً قابل فهم است، چه توسعه اجتماعی و تجزیه و تفکیک امور منجر به دست‌بندی بسیاری از مشاغل و مسؤولیت‌های آن زمان شد. اجرای مراسم و آیین‌ها با توجه به گوناگونی آراء و عقاید دینی و مراسم و مناسک بی‌شماری که عدم اجرای هر یک از آنها از دیدگاه جامعه، خشم خدایان را برمی‌انگیخت و مصائب و زینهای غیرقابل جبرانی را به همراه داشت، به معضلی اساسی و دست و پاگیر بدل شد. طبیعتاً همه افراد جامعه کشاورز و دامدار هرگز فرصت کافی برای اجرای تمام و کمال این‌گونه مراسم را نداشتند. از این گذشته قدرتهای تازه شکل‌یافته و نیرومند علاقه‌مند شدند تا هرگاه که اراده نمایند، شاهد اجرای چنین مراسمی باشند. در همین دوران طبقه‌ای که بتواند عهده‌دار اجرای چنین رسوم و آیین‌هایی باشد، الزام‌آور شد.

مناسک دینی شامل ساحری، آیین‌ها و رقص‌ها، اوراد

بی‌شک کوسان‌ها نخستین عهده‌داران هنر شفاهی زمانهای ماقبل امپراتوری‌های بزرگ ایرانی نبوده‌اند. از دوران نسبتاً دور که اعتقادات مبتنی بر باورهای ابتدایی و سپس میتراپرستی رواج داشتند تا زمانی که بر اساس اسنادی نادر به نام گوسان — کوسان بر خورد می‌کنیم، آگاهی‌های ما در مورد ناقلین فرهنگ شفاهی بسیار اندک است. همین آگاهی‌های اندک نیز عموماً متکی بر آرای کلی پژوهشگران فرهنگ و تمدن جوامع ابتدایی در فلات ایران است. در مقایسه با پیشینه فرهنگی بسیار طولانی، کشفیات و داشته‌ها ناچیز و به غایت جزئی هستند.

مجموعه‌ای از کنده‌کاری‌ها، نقش برجسته‌ها، مجسمه‌ها، ظروف و نقوش حک شده بر روی آنها و مطالعه در معابد، استودان‌ها و دیگر جایگاه‌های دفن اموات، حکایت از آن دارند که اجرای آداب و آیین‌ها، بیشتر وظیفه‌ای عمومی تلقی می‌شده است. آ با این ویژگی که پیشگویان، ساحرین و ریش‌سفیدان قبیله نظارتی مقدس‌مآبانه را بر این گونه شعائر اعمال می‌داشته‌اند. بنابراین در بدو امر، انتقال دانش و سنن شفاهی در انحصار افراد یا گروهی برگزیده قرار نداشت.

درواقع پس از پیدایش نخستین قراردادهای حرفی در جوامع ابتدایی و تثبیت سنت‌های شفاهی، همه افراد قوم و قبیله اجرای آنها را به عهده داشتند. سپس در فرایندی طولانی برخی از افراد در اجرای آداب و رسوم و آیین‌ها نقش برجسته‌تری یافته و رفته‌رفته رهبری و مسؤولیت مطلق چنین مراسمی را به دست گرفتند. در هر حال مدارک بقدری در این زمینه اندک هستند که اظهار نظر مفصل‌تر ما را درباره حفاظان و مجریان فرهنگ شفاهی دوران یاد شده مشکل می‌سازد.

□ □ □

در مورد تاریخ پیدایش و شکل‌گیری طبقه کوسان و نام آنها نیز مدارک از نظر تاریخ اجتماعی، بسیار ناچیز و در عین حال مبهم هستند. شاخص‌ترین شواهد و مدارک در مورد این واژه، در منابع فارسی و ارمنی و یا گرجی، عموماً مربوط به دوره هلنی و اشکانی هستند، یعنی درست زمانی که نام کوسان و هنرش در معرض فراموشی قرار گرفت و عمر تاریخی آن در شرف اتمام بود. برخی از زبان‌شناسان و محققان تاریخ فرهنگ اصلی و مبدأ واژه کوسان و هنر آنان را پارتی دانسته و اعتقاد دارند که این واژه بعدها از سوی برخی ملت‌های همجوار به وام گرفته شده است.

بسیاری از اعتقادات و سنت‌های پیشین شده و مناسک و مراسم مختلف جوامع ایرانی را به میزان قابل توجهی با راهکارها و روش‌های خود هماهنگ ساخته بود. روحانیت زرتشتی به فراخور منافع دنیوی خود و به موازات هجوم آیین‌ها و مناسک باستانی، تکفیر و سرکوب مجریان این گونه مناسک را نیز شعار خود قرار داده بودند. به این مسأله که به افول منزلت و موقعیت کوسان‌ها انجامید باید توجه کرد. روحانیون زرتشتی تقریباً کلیه مراسم دینی و اجرای آیینها، سوگ‌ها، ادعیه و اوراد را به عهده گرفته و از مدتها پیش، اجازه اجرای این گونه تشریفات را به عنوان بخشی



اساسی از سنت‌های شفاهی، از هر گروه دیگری سلب کرده بودند. این موضوع نشان می‌دهد که از قرن‌ها پیش، نقش کوسان‌ها تنها به اجرای پاره‌ای از مراسم و آداب خنیایی محدود شده بود، با این همه، مغان از دشمنی با کوسان‌ها دست برنداشته و در ابعاد عملی و نظری در محو سنن کوسان همت گماردند. این موضع‌گیری از پیش‌زمینه‌ای منطقی برخوردار بود، زیرا مغان اساساً کوسان‌ها را منادیان کفر و الحاد می‌پنداشتند و معتقد بودند که کردار و هنر آنها ریشه در سنت‌های چندخدایی و حتی بی‌دینی دارد. از همین رو رسماً در معدوم کردن ته‌مانده‌های هنر آنان نیز از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

در یک متن زرتشتی آمده است که: «چشماتان را از

و ادعیه، مراسم قربانی، بازی، چشم‌بندی، پیشگویی، مدح و توصیف، نغمه‌پردازی و سرایندگی، تنها بخشی از این گونه رسوم را شامل می‌شده است. محمدرضا بیگدلی در این مورد می‌نویسد:

[«این نغمه‌سرایان که به چندین هنر چون شاعری، نوازندگی، آهنگ‌سازی و آوازخوانی، هنرپیشگی، رقاصی، تردستی، شعبده‌بازی، داستان‌گویی، داستان‌پردازی و ... آراسته بودند، در بین اقوام و ملل مختلف وجود داشتند و بدیهی است که هر کدام دارای خصوصیات متمایز بوده و در فراز و نشیب تاریخ خلق خود سرنوشتی متفاوت یافته‌اند»].^۴

با این همه آرای دیگری نیز در مورد پیدایش کوسان وجود دارند. شاید عجیب‌ترین این آراء، منسوب کردن اصل کوسان به (جیپسی)ها باشد. لیدزبارسکی با برداشت از فرهنگ‌های بومی سریانی، کوسان را به کولی^۵ ترجمه کرد و تلوپا اظهار داشت که کوسان همان کولی است.^۶

مری بویس با احتیاط و تردید این نظریه را بررسی کرده است.^۷

«شبهات منحصر به فرد و بازی بین مینسترول‌ها (خنیاگران) یا دست کم یک گروهی از کولی‌ها وجود دارد و مجمل‌التواریخ واژه کوسان را به عنوان معادل سرگرم‌کنندگان هندی به کار برده است، اگر این هندی‌ها احتمالاً از کاست دَم‌ها یعنی نوازندگان دلقک بوده‌اند و خویشاوندان ایشان بوده‌اند که طی قرون متمادی، خنیگری افغان‌ها و بلوچ‌ها را تأمین کرده و شبیه گوسان بوده‌اند».^۸

خوشبختانه او بلافاصله با ارائه سندی دیگر تقریباً نظریه مذکور را مردود اعلام می‌کند: «اشاره اسفار ملوآشی به واژه می‌رساند که این کلمه در زبان ماندایی برای نامیدن به کار رفته و عنوان گروه‌های قومی نیست. هر کس می‌توانست حتی بدون اینکه در صنف گوسان‌ها باشد، به یک گوسان مبدل شود. ماندایی‌ها این واژه‌ها را به همان معنای اولیه‌اش، یعنی شاعر خنیاگر از پارتی‌ها وام گرفته بودند».^۹

بر اساس سند مذکور کاست بودن گوسان‌ها منتفی است. حال اینکه کولی‌ها پیوسته به عنوان یک کاست مورد توجه قوم‌شناسان قرار گرفته‌اند.^{۱۰} بنابراین به این مسأله که «از زمان بهرام گور به بعد، از طریق ورود سیل‌آسای گوسان‌های هندی، تعداد خنیاگرانی که در جشن‌ها و مراسم مردمان بی‌چیز گرد می‌آمدند، افزایش یافته است»^{۱۱}؛ باید به دیده تردید نگریست، چه این مهاجرین در طیف جیپسی‌ها (کولی‌ها) قرار داشته و ارتباطی با گوسان‌های پارتی نداشته‌اند. [نگارنده].

باید افزود که بر اساس منابع مختلف از جمله مروج الذهب^{۱۲} کولی‌ها از زمانی پای به فلات ایران نهادند که از مدتها قبل واژه خنیاگر جایگزین کوسان شده و از آنها جز خاطره‌ای بر جای نمانده بود. زیرا آئین زرتشت از چند سده پیشتر، به عنوان کیشی رسمی، به شکلی قاطع جایگزین





به سنتی بلا تغییر در کار موبدان و مغان تبدیل شد. بلعی از کتابی یاد می‌کند که تفال‌ات ایرانیان در آن ثبت شده و این تفال‌ها در جنگ مورد استفاده قرار می‌گرفت. ابوریحان بیرونی بخش‌هایی از آن را نقل کرده است.^{۱۷}

به هر صورت تا پیش از پیدایش طبقه‌ای با عنوان خنیاگران و صاحب موقعیت اجتماعی شدن آنها، هنر کوسان‌ها در سراسر امپراتوری‌های اشکانی و ساسانی بشدت تقبیح شد و کوسان‌ها آرام‌آرام نقش خود را به عنوان ناقلان فرهنگ شفاهی از دست دادند.

در زمینه شناساندن مجموعه هنر کوسان‌ها و وظایف آنان محققان ارمنی و گرجی نیز تلاش درخوری کردند. دستاوردهای آنان پاره‌ای از ابهامات را روشن می‌کنند. آنان اثبات کرده‌اند که این واژه با تغییراتی مختصر در لهجه یا واژه، با معنی مشترکی، تقریباً در تمام سرزمین‌هایی که بعدها جزو امپراتوری بزرگ هخامنشی بودند رواج داشته است و کوسان‌ها به غیر از خنیاگری وظایف دیگری را نیز به عهده داشته‌اند.^{۱۸}

برخی متون دیگر نیز بر این نظریه صحه می‌گذارند. مثالهای زیر از اثری به نام امیران در جانیانی است که متعلق به قرن دوازدهم میلادی است:

«در صیحدم که خورشید انوار خود را فرا افکنده بود، شاه چون گذشته در همان جای همیشگی جلوس کرد و خوانین خویش را در اطراف خود به صف کرد و بزمی آراست. مگسنی^{۱۹} آواز خواند و بندبازان به بازی پرداختند. چون روز طالع شد، خان بزرگ بر مسند قرار گرفت، خوانین را پیرامون خود برگماشت و بزمی آراست، اما این بار مگسنی نخواند» [پهلوان شاه در مسابقه کشته شده بود] روز دیگر به بزمی در تالار دیگر رفتیم... در اندرون آن، مگسنی‌ها دایره‌وار ایستاده بودند و می‌خواندند و بعداً مردانی پلنگینه‌پوش از گروه رستاوولی مگسنی با آکروبیات به عنوان سرگرم‌کنندگان ظاهر شدند».

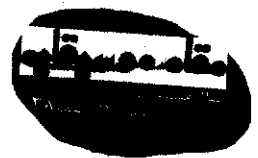
باید افزود که در مآخذ ادبی ایرانی پس از اسلام، هر جا که به واژه کوسان برمی‌خوریم، عمدتاً بر نقش و وظیفه آنان به عنوان نوازنده، خواننده، شاعر، داستان‌سرا و هنرهایی هم‌سنگ و هم‌طراز با چنین جوهرهای تأکید می‌شود. این نکته در منابعی همچون شاهنامه و ویس و رامین که جزو متون ادبی و شعری منحصر به فرد در ادبیات ایرانی هستند، دیده می‌شود. در واقع نویسندگان این منابع ادبی، تفاوتی بین خنیاگران و کوسان‌ها قائل نیستند و یا لاقلاً موارد مورد استفاده آنان از این واژه بر چنین استنباطی دلالت دارد. این استنباط را با افزودن اضافاتی می‌توان پذیرفت، زیرا پژوهشگران اعتقاد دارند که وظایف دیگری نیز بر عهده کوسان‌ها قرار داشتند که اگر نگوییم این وظایف شامل همه سنتهای شفاهی بود، لاقلاً حوزه گسترده‌ای از این گونه سنتها را دربرمی‌گرفت که از منظر این رساله و بر اساس سند (در جانیانی) ذکر شده، علاوه بر خنیاگری پلنگینه‌پوشی^{۲۰}،

زنان به دور دارید، دهانتان را از غذاهای بسیار لذیذ، زبان را از پلیدی و گوش را از خنیاگری (هنیاگری) محروم بدارید^{۲۱}. این دشمنی با تنمه هنر کوسان، در میان روحانیون مسیحی سرزمین‌های غربی امپراتوری ساسانی نیز به شدت شایع بود و آنها در مورد کوسان‌ها با روحانیون زرتشتی مواضع مشترکی داشتند. «انان از مؤمنان می‌خواهند که از آواز و سرمشقی‌های عیب و از واسطه‌های شرارت و اغوای سخنان شیرین بپرهیزند»^{۲۲}.

تلاش مغان و دیگر روحانیون ادیان دوره یادشده در زائل کردن نقش کوسان‌ها، به همین جا خاتمه پیدا نکرد و آنها برای کساد کردن همه ابعاد هنر کوسان‌ها، به اقدامات دیگری دست زدند که به نوعی حتی با دین آنها مغایرت داشت. تعدیلات آرامنه و مسیحیان غرب امپراتوری ساسانی تا محو کامل نام و نشان کوسان‌ها ادامه یافت. «کلیسا و نویسندگان کلیسای ارمنی بیشتر با دیده تحقیر به کوسان‌ها می‌نگریستند و نه تنها آنها را تأیید نمی‌کردند، بلکه همیشه آنها را مورد تهاجم قرار می‌دادند. تکفیر کوسان‌ها از سوی دستگاه مذهبی ارمنیان حداقل تا سده دوازده میلادی، تا حدودی یادآور برخورد دستگاه مذهبی زرتشتی با خنیاگران است»^{۲۳}.

مغان نیز رفته‌رفته با انجام زمینه‌سازی‌هایی، اجرای برخی از آیین‌ها، مناسک، نجوم، اوراد و آوازهای دینی و برخی فنون قدیم‌ضاله را بر دانش خود افزودند تا آخرین رشته‌های ارتباط کوسان را با حکومت و جامعه بگسلند. تسلط به برخی از شگردهای ساحری، چشم‌بندی، نجوم و غیبگویی نیز بر کار این دسته از روحانیون افزوده شد.

ظاهراً تجزیه هنر کوسان بسی پیشتر از فروپاشی امپراتوری‌های ایرانی آغاز شد. برخی از پژوهشگران بر کین‌ورزی روحانیون زرتشتی و مسیحی نسبت به کوسان‌ها تأکید می‌ورزند.^{۲۴} این نکته نشان می‌دهد که کوسان‌ها علاوه بر دیگر مسؤولیت‌ها، مشخصاً برخی وظایف دینی را نیز به عهده داشته‌اند. در واقع دین مزدیسنی و موبدان و مغان با فراگیری انواع فنون مربوط به سحر و جادو و فالگیری، آموخته‌های خود در این زمینه را نیز در خدمت شاهان و امیران قرار دادند تا نیاز به هنر کوسان‌ها به فراموشی سپرده شود. اگرچه در ابتدای امر، این مسأله رنگ و بوی دینی داشت، ولی رفته‌رفته هنر سحر و جادو، افسون و فالگیری



و مورد استفاده این رساله ارائه نموده‌اند. در این تعریف، طبقه در دوران مورد بحث به گروههایی اطلاق می‌شود که صرف نظر از میزان جمعیت و نقش آنان در فرآیند تولید، مسؤولیتی مشخص و تأثیرگذار را در مجموعه مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به عهده داشته‌اند. بدیهی است بر اساس تعاریف جدید بسیاری از این گونه جمعیتها در چارچوب گروه، قشر، دسته و صنف معنی می‌یابند، حال آن که امروزه بیشتر صاحب‌نظران رابطه با فرآیند تولید را ممیزه‌ای اصلی در تعریف طبقه می‌دانند. [نگارنده].

۴. ترکمنهای ایران، ص ۴۷۲.
۵. جیپسی (Jipsi) = قبطی.
۶. خنیاگری و موسیقی در ایران، ص ۴۳.
۷. همان منبع، همان صفحه.
۸. خنیاگری و موسیقی در ایران، زیرنویس متن، ص ۴۳.
۹. همان منبع، ص ۴۳.
۱۰. نگاه شود به پیام یونسکو، ویژه‌نامه کولی‌ها، همان منبع.
۱۲. مروج الذهب، ص ۴۱۱.
۱۳. خنیاگری و موسیقی در ایران.
۱۴. همان منبع.
۱۵. آینه و آواز، ص ۱۰۳.
۱۶. کوراغلو، افسانه یا تاریخ، ص ۳۷.
۱۷. اثر اینیوستراتزف به زبان روسی از روی منابع عربی راجع به تفال و خرافات دوره ساسانی نقل از کریستن سن ایران در زمان ساسانیان زیرنویس ص ۲۰۲.
۱۸. کوراغلو، افسانه یا تاریخ، ص ۳۸ (نقل به مفهوم).
۱۹. مگنی یا مگوسانی در میان اقوام ماوراء قفقاز به معنی گوسان و از یک ریشه‌اند. در حال حاضر این واژه در میان ترکمنان آوزان و بخشی در میان قارااقاها زیراتوس، در قزاقستان با کسی و آکین، در قرقیزستان ماناس چی، در تاجیکستان سازنده و حافظ و در آذربایجان با عنوان عاشق و عاشیق شناخته می‌شود.
۲۰. منظور بازیگرانی که پوششی از پوست پلنگ بر تن دارند همانند ترکیب پشمینه‌پوش، سیاهپوش، زره‌پوش و... [نگارنده].

بازیگران کوسان تنها یکی از آن موارد متعدد است. درباره این موضوع که چرا منابع ایرانی پس از اسلام همواره تنها به بخشی از هنر کوسان‌ها اشاره نموده‌اند، می‌توان به این گمان متوسل شد که مدت زمانی که واژه کوسان به خنیاگری تغییر نام داد و هنر خنیاگران عمدتاً به شعر و آواز محدود شد، فرآیندی طولانی پشت سر نهاده شد و همین وظیفه یعنی هنر شعر، موسیقی و افسانه‌سرایی و آواز در ذهن و حافظه ایرانیان و سپس در آثار مکتوب آنان نقش بست. طی همین فرآیند بخشی از هنر کوسان‌ها، یعنی بازیگری (پتواژ) به گروه دیگری که متون از آنان با نام پتواژگو یا پتواژگر نام برده‌اند واگذار شد. بنابراین هنر کوسان پس از تجزیه، عمدتاً در اختیار سه طبقه قرار گرفت که مغان، خنیاگران (هینواژگر) و بازیگران (پتواژگو) از آن جمله‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کوسان / kusan / گوسان / gosani / مگنی magoseni / magusani / این کلمه پهلوی به شکل کوسان و گوسان وارد زبان و ادبیات فارسی شده است. دکتر محمد معین این کلمه را پارتی gwsan به معنای موسیقیدان و خنیاگر دانسته است. در فرهنگ برهان قاطع و چند فرهنگ دیگر آن را نوعی از خوانندگی و نیز نام شخصی نایی و نی‌نواز در زمان یکی از پادشاهان قدیم دانسته‌اند. ترکمن‌های ایران، ص ۴۷۲.
۲. فرهنگ و تمدن، ج ۱، ص ۳۲۵.
۳. در اینجا همواره مراد از طبقه همان تعریفی است که منابع قدیمی

